

الله أكبر  
لا إله إلا الله  
محمد رسول الله  
صلى الله عليه وسلم  
أشهد أن لا إله إلا الله  
وأشهد أن محمدًا عبده  
وآل بيته الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الأئمة  
الطاهرين صلوات الله  
وعلى آلهم أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وعلى آل محمد  
اللهم صل على محمد  
وعلى آل محمد  
اللهم صل على محمد  
وعلى آل محمد  
اللهم صل على محمد  
وعلى آل محمد

١٣٨٤ / ١١ / ١

١٠٤٥٧٧



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

## پایان نامه برای دریافت درجهی کارشناسی ارشد

رشتهی تحصیلی:  
زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بازخوانی مجموعه داستانهای کوتاه  
«سنگر و قمقمه های خالی»  
اثر بهرام صادقی با تکیه بر مبانی نقد جدید

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا پیروز

استاد مشاور:

دکتر قدسیه رضوانیان

نگارنده:

سارا سعیدی

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۱

سال تحصیلی: دی ۱۳۸۵

۱۰۴۵۷۷

به پدر و مادرم

و

همه‌ی کسانی که در این راه تنه‌ایم نگذاشته‌اند

## تقدیر:

از دست و زبان گنه بر آید کز عهده‌ی شکرش به‌دز آید

به‌مصدق آیه‌ی «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» شایسته می‌دانم در امر نگارش و تدوین این بیان‌نامه از:

- دکتر «غلامرضا بیروز» که با نکته‌سنجی‌ها و بینش دقیق علمی خود راهنمایی رساله را بر عهده داشتند،

- دکتر «قدسه رضوانیان» که با رهنمودهای بی‌جا و ارزشمند، امر مشاوره‌ی رساله را پذیرا شدند،

- سرکار خانم «ناهید اکبریان» که عهده‌دار مسؤلیت تایپ رساله شدند،

- جناب آقای «حمید اکبری» که در صفحه‌آرایی رساله کمال همکاری را داشتند و بخش تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، به‌ویژه آقای «محمد عنایتی» ضمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

سارا سعیدی

بابلسر - دی ۱۳۸۵

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل اول: کلیات

- ۱-۱. درآمدی بر رویکردهای معاصر نقد ادبی ..... ۱۳
- ۱-۱-۱. نشانه‌شناسی ..... ۱۸
- ۱-۱-۲. زبان‌شناسی ..... ۱۸
- ۱-۲. هدف از پژوهش ..... ۲۰
- ۱-۲-۱. بازخوانی ..... ۲۲
- ۱-۳. بهرام صادقی و دیگران ..... ۲۳
- ۱-۴. نتیجه‌گیری ..... ۲۶

فصل دوم: کلیات

- ۲-۱. درآمد ..... ۲۹
- ۲-۲. بازتاب واقعیت و بازنمایی ..... ۳۱
- ۲-۲-۱. معناسازی و نقد واقع‌گرایانه ..... ۳۵
- ۲-۲-۱-۱. بحران بازنمایی ..... ۳۷
- ۲-۳. ساختارگرایی ..... ۴۱
- ۲-۴. فرمالیسم / شکل‌گرایی ..... ۴۸
- ۲-۵. ساختارشکنی / پس‌ساختارگرایی ..... ۵۲
- ۲-۶. روایت ..... ۶۲
- ۲-۶-۱. روایت در داستان‌های معاصر ..... ۶۷
- ۲-۷. لحن ..... ۷۰

- ۷۱..... ۲-۷-۱. لحن... انسجام
- ۷۲..... ۲-۷-۲-۱. انسجام، تضاد، طنز و چندآوایی
- ۷۵..... ۲-۸. بینامتنیت
- ۷۹..... ۲-۹. ژانر
- ۸۱..... ۲-۱۰. توصیف
- ۹۰..... ۲-۱۱. زمان در داستان معاصر
- ۹۱..... ۲-۱۱-۱. زمان و روایت
- ۹۲..... ۲-۱۲. محیط / مکان
- ۹۶..... ۲-۱۳. شخصیت‌پردازی در داستان‌های معاصر
- ۱۰۶..... ۲-۱۴. طنز
- ۱۱۰..... ۲-۱۴-۱. روایت پیکارسک
- ۱۱۲..... ۲-۱۵. ادبیات معاصر و مسیرهای «جدید»
- ۱۱۳..... ۲-۱۶. رمان و داستان کوتاه در ایران
- ۱۱۷..... ۲-۱۶-۱. داستان کوتاه
- ۱۲۰..... ۲-۱۶-۱-۱. داستان کوتاه در جستجوی تعریف
- ۱۲۲..... ۲-۱۶-۲. فراداستان
- ۱۲۵..... ۲-۱۷. نتیجه
- ۱۳۱..... ۲-۱۸. یادداشت‌های پایان فصل

### فصل سوم: خلاصه‌ی هشت داستان از مجموعه‌ی «سنگر و قمقمه‌های خالی»

- ۱۳۵..... پیش‌درآمد
- ۱۳۷..... ۳-۱. فردا در راه است
- ۱۴۱..... ۳-۲. «وسواس»

- ۲۰۰ ..... ۴-۴-۲-۱-۱. مسأله‌ی روایت
- ۲۰۱ ..... ۴-۴-۲-۲. ناپیش‌بری در روایت
- ۲۰۳ ..... ۴-۴-۲-۳. روایت و تولید لحن
- ۲۰۵ ..... ۴-۴-۲-۳-۱. انتخاب واژه‌ها و لحن
- ۲۱۰ ..... ۴-۵. «نمایش در دوپرده»
- ۲۱۰ ..... ۴-۵-۱. رویکردهای فنی و ساختاری
- ۲۱۴ ..... ۴-۵-۱-۲. لحن و چندصدایی
- ۲۱۸ ..... ۴-۵-۲. بازخوانی و نگاه‌های ساختارشکنانه
- ۲۲۰ ..... ۴-۵-۲-۱. عواملی که می‌تواند ساختار «نمایش در دوپرده» را با تردید مواجه کند
- ۲۲۱ ..... ۴-۵-۲-۱-۱. انتخاب و چینش واژه‌ها در توصیف شخصیت و حالات
- ۲۲۲ ..... ۴-۵-۲-۱-۲. حضور راوی روایت‌گر
- ۲۲۴ ..... ۴-۶. «سنگر و مقممه‌های خالی»
- ۲۲۴ ..... ۴-۶-۱. براساس رویکردهای فنی و شکل‌گرایانه (ساختاری)
- ۲۲۶ ..... ۴-۶-۱-۱. لحن و چندصدایی
- ۲۲۷ ..... ۴-۶-۱-۲. طنز
- ۲۲۸ ..... ۴-۶-۱-۳. پرداخت جزئیات و اطناب
- ۲۳۳ ..... ۴-۷. «صراحت و قاطعیت»
- ۲۳۳ ..... ۴-۷-۱. با نگاهی به ساختارهای روایت
- ۲۳۶ ..... ۴-۷-۱-۱-۱. طنز
- ۲۳۶ ..... ۴-۷-۱-۱-۲. مسأله‌ی راوی و شیوه‌های روایت‌گری
- ۲۳۹ ..... ۴-۷-۲. بازخوانی
- ۲۵۱ ..... ۴-۸. «خواب خون»

- ۲۵۱ ..... ۴-۸-۱. رویکرد ساختارگرایانه به داستان
- ۲۵۲ ..... ۴-۸-۱-۱. «ژانرها و حرکت‌های بین ژانری»
- ۲۵۲ ..... ۴-۸-۱-۱-۱. نشانه‌های زبانی
- ۲۵۲ ..... \* حروف
- ۲۵۳ ..... \* ترکیبات
- ۲۵۳ ..... \* تشبیهات
- ۲۵۵ ..... \* حمله‌های فضا ساز
- ۲۵۷ ..... ۴-۸-۲. بازخوانی و رویکردهای ساختارشکنانه
- ۲۵۷ ..... ۴-۸-۲-۱. حضور متن در روایت‌های توصیفی و به‌چالش‌طلبیدن آن‌ها
- ۲۵۹ ..... ۴-۸-۲-۲. جاگیری‌های راوی و تأثیر آن در برهم‌زدن کلیت داستان
- ۲۶۴ ..... ۴-۸-۲-۲-۱. کارکردها و موقعیت‌های نوشتاری
- ۲۶۷ ..... ۴-۹. «عافیت»
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۱. نگاه تمثیلی و نقد بازنماینده
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۲. رویکردهای ساختارگرایانه
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۲-۱. موقعیت راوی و جنبه‌های جاگیری او
- ۲۶۹ ..... ۴-۹-۳-۲. زیبایی‌شناسی و فرصت‌های چالش‌طلب متن
- ۲۶۹ ..... \* استعاره
- ۲۷۰ ..... \* تشبیه
- ۲۷۰ ..... \* مجاز
- ۲۷۶ ..... ۴-۹-۳. بازخوانی عافیت و ساختارشکنی‌های متن
- ۲۹۵ ..... ۴-۱۰. نتیجه
- ۲۹۵ ..... ۴-۱۰-۱. راوی



- ۲۵۱ ..... ۴-۸-۱. رویکرد ساختارگرایانه به داستان
- ۲۵۲ ..... ۴-۸-۱-۱. «ژانرها و حرکتهای بین ژانری»
- ۲۵۲ ..... ۴-۸-۱-۱-۱. نشانههای زبانی
- ۲۵۲ ..... \* حروف
- ۲۵۳ ..... \* ترکیبات
- ۲۵۳ ..... \* تشبیهات
- ۲۵۵ ..... \* حملههای فضا ساز
- ۲۵۷ ..... ۴-۸-۲. بازخوانی و رویکردهای ساختارشکنانه
- ۲۵۷ ..... ۴-۸-۲-۱. حضور متن در روایت‌های توصیفی و به‌چالش‌طلبیدن آنها
- ۲۵۹ ..... ۴-۸-۲-۲. جاگیری‌های راوی و تأثیر آن در برهم‌زدن کلیت داستان
- ۲۶۴ ..... ۴-۸-۲-۲-۱. کارکردها و موقعیت‌های نوشتاری
- ۲۶۷ ..... ۴-۹. «عافیت»
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۱. نگاه تمثیلی و نقد بازنماینده
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۲. رویکردهای ساختارگرایانه
- ۲۶۸ ..... ۴-۹-۲-۱. موقعیت راوی و جنبه‌های جاگیری او
- ۲۶۹ ..... ۴-۹-۲-۲. زیبایی‌شناسی و فرصت‌های چالش‌طلب متن
- ۲۶۹ ..... \* استعاره
- ۲۷۰ ..... \* تشبیه
- ۲۷۰ ..... \* مجاز
- ۲۷۶ ..... ۴-۹-۳. بازخوانی عافیت و ساختارشکنی‌های متن
- ۲۹۵ ..... ۴-۱۰. نتیجه
- ۲۹۵ ..... ۴-۱۰-۱. راوی

۲۹۶	.....	۴-۱۰-۱-۱	دختل و نامحدود
۲۹۶	.....	۴-۱۰-۱-۲	دختل و محدود
۲۹۶	.....	۴-۱۰-۱-۳	گزارشگر صرف
۲۹۷	.....	۴-۱۰-۱-۴	روایت خودبه‌خودی
۲۹۷	.....	۴-۱۰-۲	تغییر زاویه‌ی دید و روایت
۲۹۷	.....	۴-۱۰-۳	ساختار و تأثیر آن در زبان متن
۳۰۰	.....	۴-۱۰-۴	بازی‌های زبانی
۳۰۰	.....	۴-۱۰-۴-۱	انتخاب و چینش واژه‌ها در متن
۳۰۰	.....		* حروف
۳۰۱	.....		* افعال
۳۰۲	.....		* اسامی

### فصل پنجم:

۳۰۵	.....	نتیجه‌گیری
۳۱۴	.....	منابع و مآخذ

«چکیده»

پژوهش حاضر با پیش‌زمینه‌ای که دورنمایی از «نقد نو» و رویکردهای معاصر جریان‌های ادبی را در نظر داشت، شروع به شکل‌گیری نمود.

داستان‌های کوتاه صادقی به دلیل دارا بودن ملاک‌های تطبیقی با نقد نو تحت عنوان «بازخوانی سنگر و قمقمه‌های خالی» شکل گرفت.

در مرحله‌ی ابتدایی تحت نظارت استاد دکتر پیروز که راهنمایی این پژوهش را به عهده داشتند و نظرات خانم دکتر رضوانیان، مشاور پژوهش، به بررسی گسترده‌ای از جریان‌های نقد ادبی-هنری از زمان یونان باستان تا دوران معاصر و نگاه‌های حاکم به نقد، مسأله‌ی معنا، مفهوم، مصداق، و ارزش‌گذاری و... پرداخته شد.

مرحله‌ی بعدی تمرکز بر «نقد ادبی» به عنوان مسأله‌ی محوری پژوهش بود که نیاز به تلاش در جهت یافتن تضادها و تفاوت‌هایی که سامانه‌های مختلف ادبی با رویکردهای معاصر دارد یعنی مطالعه و تحقیق در مراجع و منابعی که خود شعار مرجع‌گریزی و اصالت‌گریزی را در افکار و نوشته‌های خود تولید می‌کنند؛ یعنی برخوردهای پست مدرنیستی.

نقد و بررسی داستان‌های کوتاه مجموعه‌های موردنظر با رویکرد موردنظر در این

پژوهش با عنوان «بازخوانی».

# فصل اول

## کلیات

## ۱. درآمدی بر رویکردهای معاصر نقد ادبی

« ادبیات همانند نقادی - که تفاوت میان این دو نیز تفاوتی موهوم شده - محکوم به آن است (یا این مزیت را یافته) که برای همیشه دشوارترین و در نتیجه، اعتمادناپذیرترین زبانی باشد که انسان بر اساس آن خود را می‌نامد و دگرگون می‌سازد.»

(نورس، ۱۳۸۰: ۹)

شاید بتوان دهه‌ی ۱۹۳۰، را آغازی برای رویکردهای متفاوت به مقوله‌ها و گفتمان‌های علوم انسانی برشمرد (گرین، ۱۳۷۶: ۸۵).

اعلان انواع «مرگ»ها برای گزاره‌ها و فراگزاره‌های تاریخی - انسانی از این نمونه‌هاست؛ مرگ ایدئولوژی: سوزان سونتگ، مرگ انسان: میشل فوکو، مرگ تاریخ: الکساندر کوژوا، مرگ تئوری: هانس بلتیگ، مرگ هنر: آرتورسی دانتو، مرگ نقاشی: دیوید سالی، مرگ قهرمان: برنارد اسمیت، و مرگ سوژه: میشل فوکو (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۳۱۷).

موقعیت‌هایی که فضاهاى ادبى را مسأله‌ساز مى‌نمود، شامل نگاه‌هاى فلسفه مدارانه‌ى مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و پدیده‌شناسى بود که در آن سوژه و آگاهى ذهنى انسان معاصر، جدا افتاده و غریب به تصویر کشیده مى‌شد. «خواه منشأ این بیگانگى سرمایه‌دارى باشد (از دید مارکسیسم)، خواه طبیعت‌گرایی علمى حاکم بر فرهنگ مدرن غرب (از دید پدیده‌شناسى)، خواه آداب و رسوم اجتماعى به غایت سرکوب‌گرایانه (از دید فروید)، خواه حیات اجتماعى و فرهنگ توده‌ای که به نحو دیوان‌سالارانه سازمان‌یافته (از دید اگزیستانسیالیسم) و خواه مذهب (از دید همه‌ی آنها)» (کهون، ۱۳۸۱: ۴).

... در نهایت اعتراض همه‌ی آنها، شکایتى به روش مطالعه و بررسى طبیعت‌گرایانه علوم انسانی بوده. تمرکز بر «خود» در همین معنا، برداشتنى تجربه‌گرایانه در جهت تأکید و توجه به دیدگاه «من» اول شخص مورد مطالعه مى‌باشد.

در این طرز نگاه همواره حکومت «من» سوژه به مثابه‌ى کلیتى یکپارچه و زمان‌مند، برخوردارى مشابه وحدت در کثرت رمانتیک‌هاى پیشرو به چشم مى‌خورد (هارلند، ۱۳۸۱: ۱۰۹). در مورد نقد ادبى از دیرباز تاکنون به‌طور بسیار مختصر باید سامانه‌هاى مختلفى را نام برد که در اکثر قریب به اتفاق آنها موضوع مورد نقادى بر اساس معیارهاى از پیش مسجل شده سنجیده و «ارزشیابى» مى‌شده. ذوق، الهام، جذب به مسیر تهذیب و تربیت برای دستیابى به حقیقت یگانه از اصول غیرقابل تردید زیبایى‌شناسى اخلاق محور در نقد ادبى — هنرى سنتى است (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۶۵-۵۵).

حقیقت و زیبایی یکی هستند و شاعر برای کشف حقیقت طبیعت از خرد خویش بهره می‌گیرد... لذا توصیه به بررسی طبیعت، سرانجام به صورت سفارش به مطالعه آثار قدما درمی‌آید(هال، ۱۳۷۹: ۸۱-۸۰).

در نگاه‌هایی که به محتوا و مضمون می‌شود در واکنشی استقلال‌طلبانه از برخوردهای زبانی- بلاغی، محتوا با سنجهی واقعیت/ تخیل، در حدی بالاتر از واقعیت روزمره، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بازتاب تجربیات بشری در حالت بازنمایی آئینه‌گون زندگی به منظور نشان دادن حقیقت و کلیت قابل سرایت و تعمیم در صورت‌ها و گونه‌های مختلف و با «هدف» تعلیم و تهذیب در همان حال و هوای تجربه‌باوری است. «نقد نو<sup>۱</sup>» می‌تواند اصطلاحی باشد که به کلیه‌ی رویکردهای ناهمگون معاصر و موضع‌گیری‌های متناقض در بستر علوم انسانی، اطلاق می‌شود.

بدیهی است که شیوه‌های نویسندگی نو، نقادی نو را به همراه خواهد داشت؛ «زمین هرز» اثر الیوت «اولیس» اثر جیمز جویس<sup>۲</sup> و اصول نقادی ادبی از آی. ای. ریچاردز<sup>۳</sup> گواهی است بر این ادعا(یزدانجو، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

نام آی. ای. ریچاردز با طرح مسأله‌ی «نقد عملی<sup>۴</sup>»، در سال ۱۹۲۶ و لزوم تأکید بر «ارزیابی‌های جدید» توسط «نظرخواهی از دانشجویان و ثبت پاسخ‌های آنان»... و کوشش وی

---

1. New Criticism  
2. J-Joyce (1941-1882)  
3. Ivor Armstrong Richards  
4. Paractical Criticism

مجسم می‌کند تنها در کثرت و نسیت‌گرایی نقدها و تفسیرهای اصالت‌گریز خوانندگان و مخاطبان خلاصه نمی‌شود (هارلند، ۱۳۸۱: ۲۹۸). آن‌چنان که «امپسن<sup>۱</sup> بنیانگذار» را دارای چنین برخوردارهایی می‌داند:

«توانمندترین و پربارترین راهبرد خوانش دقیق مورد نظر نقد نو به دنبال جنبشی می‌آید که از دو گام تشکیل می‌شود و امپسن بنیان‌گذار آن است. در گام نخست واژگان شعر دارای نوعی کمال نامعمول شمرده می‌شوند. این واژگان به منتقد اجازه می‌دهند تا همه‌ی معنای واژه‌نامه‌ای و همه‌ی دلالت‌های ضمنی کمتی واژگان را باز کند» (همان، ۲۹۹).

نقدی که در موقعیت‌های اخیر که تحت شعار پست مدرنیسم سربرآورده است هرگونه تلاش برای تفسیر و ردیابی خاستگاه‌های واهی معنا و مفهوم (به بدبینی و مضحکه که کلان روایت‌ها و فراروایت‌ها به آن دچارند، کشانده است). آن‌چه پژوهندگانی چون ژان فرانسوالیوتار<sup>۲</sup>، ژاک دریدا<sup>۳</sup>، میشل فوکو<sup>۴</sup>، ژان بودریار<sup>۵</sup> و... در رویکردهایی متفاوت به آن پرداخته‌اند (لیوتار، ۱۳۸۰: ۲۱).

در برخوردهای شکل‌گرایانه-فرمالیسم-، حتی در رویکردهای مکالمه‌مدار و گفتگویی در متن ادبی و در مجموع آن‌چه امروزه نام «نقد نو» را با خود به‌همراه دارد، نمی‌توان ردپایی از آثار منظوم و مقالات ادبی تی. اس. الیوت را نادیده انگاشت (گرین، ۱۳۷۶: ۸۵).

1. V. Empson نظریه‌پرداز انگلیسی قرن ۲۰
2. J.F. Lyotard (1988-1925) نظریه‌پرداز فرانسوی قرن ۲۰
3. J. Derrida- 1930 نظریه‌پرداز فرانسوی قرن ۲۰
4. M. Foucault (1986-1926) نظریه‌پرداز معاصر فرانسوی
5. J. Baudrillard منتقد و نظریه‌پرداز معاصر فرانسوی



همان قدر که نگاه‌هایی این‌چنینی به بدنه‌ی متن، آن‌را با عرصه‌های جدید و کم سابقه‌ای مواجه می‌نمود، تحول در رشته‌ها و نظام‌های متنوع علوم انسانی را نیز گرچه پیریشان و متکثر باشد، در به ثمر نشستن و تأکید و تقویت اصطلاح «نقد نو» باید در نظر داشت. نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی برای نمونه از این دست تحولات می‌باشند.

#### ۱-۱-۱. نشانه‌شناسی<sup>۱</sup>: که با درس نوشته‌های فردینان دو سوسور در هیأت جدیدی

مطرح شد و زبان‌شناسی نوین<sup>۲</sup> را به دنبال داشت. «نشانه‌ها به ما می‌آموزند که نشانه‌ها از چه تشکیل شده‌اند و چه قوانینی بر آن‌ها حاکم است» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۴). گرچه نشانه‌شناسی، مسأله‌ای نبود که با قرن بیستم از عدم به هستی پا گذارد اما آموزه‌های دو سوسور که اغلب بررسی نشانه‌های نظام‌ها و ساختارهای زبان بود، از برخوردهای دیگرگونه‌ی زمانه‌ی خود بود و بعدها، زبان‌شناسان، ریخت‌شناسان<sup>۳</sup>، ساختارگرایان و شکل‌گرایان را می‌توان ادامه‌دهندگان و به تکامل‌رسانندگان رویکردهایی ازین دست دانست.

#### ۱-۱-۲. زبان‌شناسی، «کل ادبیات، از فلور تا به امروز، به مسأله‌سازی‌های زبان تبدیل

شده است» (ارغنون، ۱۳۷۵: ۲۵۵)، بررسی زبان از حیث وجوه اشتراکات و تفاوت‌ها، نظام‌های اعمال معنا و شیوه‌های کاربردی و... دغدغه‌ی اصلی زبان‌شناس می‌باشد (ایچسیون، ۱۳۸۰: ۲-۵). زبان‌شناسی نیز در به چالش کشیدن مباحث گذشته و اصول مستحکم نقد سنتی با تمسک به ساختارگرایی و شکل‌گرایی و رویکردهای متأخر مؤثر و جریان‌ساز بوده است.

---

1 . Semiologie  
2 . New linguistics  
3 . Morfology

«نقد ادبی» با چنین برخوردهایی خوانشی همراه نوشتار است و به عبارت «بازخوانی»<sup>۱</sup> نزدیک خواهد شد. «بازخوانی» در این موقعیت، اعتباری برای مؤلف به عنوان صدای حاکم و غالب متن و حقیقت قابل پی‌گیری قائل نخواهد بود. «متن»- انتخاب و کاربرد اصطلاحات و عبارات و واژگان- در روابط جانشینی<sup>۲</sup> و هم‌نشینی<sup>۳</sup> احضارکننده‌ی فضای چند صدایی و نامتمرکز و پریشان است که دائم تولید می‌شود، نه بازتولید و مدام با راه‌ها و اسلوب‌های نظام‌مندی که می‌کوشند معنا را طبیعی و بدیهی جلوه دهند، به بازی‌های اجتناب‌ناپذیری می‌پردازد.

انتخاب «سنگر و قمقمه‌های خالی» اثر بهرام صادقی به دلیل آمادگی متن داستان‌های کوتاه این مجموعه و جوابگویی‌اش به چنین برخوردها نقد ادبی معاصر است که «متن گشوده»<sup>۴</sup> و چالش‌برانگیز این داستان‌ها فراهم آورده‌اند. تفاوتی که در طرز نگاه داستان‌نویسانی چون جمال‌زاده، آل احمد، جمال میرصادقی، گلشیری و گلستان از حیث رویارویی با عناصر و ساختارهای زمان‌مند داستان وجود دارد سایر موقعیت‌های متنی چون، پیش‌بری یا ناپیش‌بری، لحن، فاصله‌گذاری<sup>۵</sup> و نا-جدیت<sup>۶</sup> و بازی‌های زبانی به کار گرفته شده نیز تولید مسأله در خوانش‌های متفاوت از متن؛ را برمی‌انگیزد و صادقی را یا بهتر است بگوییم «سنگر و قمقمه‌های خالی» را به آثار نویسندگان دهه‌های متأخر ایران نزدیک می‌گرداند... (فصل دو) و (کالینز؛ می‌بیلن، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

1. Re- reading
2. Paradigmatic
3. Syntagmatic
4. Open text
5. Alienation
6. Uncertainly

## ۱-۲. هدف از پژوهش

بازخوانی، اصطلاحی است که می‌توان آن را خواندن برای دومین بار نامید؛ - در معنای تکثر- به نوعی که دیگر کلیت روایت و اعمال نفوذ فرا- روایت‌ها، پی‌گیری زمان‌مندی و چرایی کنش‌ها، اهمیت و اعتبار مضمون‌پردازانده‌ی خود را از دست داده‌اند یا دست کم مورد تردید قرار گرفته‌اند (اسکولز، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

بازخوانی، به نظر می‌رسد بیشتر از همه در پی تردید و تخریب وحدتی است که ذهن پیوستار و طالب تعریف و تأویل بر آن مصر است:

«به نظرم ابلهانه است که به هر قیمتی در جست‌وجوی «وحدت» باشم و به این ترتیب انسجام را به زور بر اثر تحمیل کنم- که می‌دانیم یکی از قدرتمندترین وسوسه‌های نقد است...» (همان، ۲۲۳).

از طرفی هرگونه تلاش برای دست‌یابی به خاستگاه و یا اساساً قائل‌بودن تباری اصیل و متمکن در معنای واژه، اعتبار خود را از دست می‌دهد.

در این‌جا شاید تنها نقل قول نظریه‌پردازان و زبان‌شناسان معاصر که چالش‌های جبران‌ناپذیری را بر بدنه‌ی باورهای کلاسیک وارد نمودند، خالی از لطف نباشد:

«در تحلیل‌های معنایی، به هنگام طرح آرای متأخر، کاربردشناسی که در اصل مطالعه‌ی کاربرد واقعی زبان در ایجاد ارتباط موفق (یا ناموفق) به شمار می‌رفت، به شکلی کاملاً جدید مطرح شد. در این‌میان، به‌ویژه مسأله‌ی کاربرد قواعد و نیز شکل کاربرد در سطحی بسیار عینی مورد بررسی قرار گرفتند... قواعد و شکل کاربرد، فرازبان انعکاسی را از طریق توصیف یا طرح

«بازی‌های زبانی» جانشینی پدید می‌آورند و این بازی‌ها در حکم الگویی برای کاربرد درست

زبان عمل می‌کنند و مبتنی بر قواعد ضمنی یا زیربنایی نیستند» (ت. بورشه...، ۱۳۷۷: ۲۱۲).

«... این واقعیت نیز که واحدهای زبان معنای خود را هنگامی به دست می‌آورند که مورد

استفاده‌ی افراد قرار گیرند... از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود» (آلستون، ۱۳۸۱: ۸۱).

در رویکردهای پست‌مدرن به موضع معنا و تعریف «با صرف تعریف نمی‌توان به کنه

معنا و مفهوم بازی دست یافت، چرا که پیشاپیش خود نوعی بازی زبانی است» (لیوتار، ۱۳۸۰:

۲۵۶).

و از آن‌جا که در نظر ایشان - گروه ناهمگن ساختارشکنان - زبان یک بازی است،

توقعات معنا طلب و سوژه‌ی سخنگو، بی‌اهمیت و بی‌اعتبار می‌باشد (پین، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

در نهایت شاید بتوان گفت بازخوانی یک متن، قبل از هرچیز و البته با توجه به امکانات

گشوده‌ی آن متن، تبدیل آن به بستر و بافتی است که با مسأله‌دار کردن زبان از طریق کمرنگ

کردن حایل‌ها و قید و بندهایی تولید می‌شود، فضاهای متنوع و مختلف را به متن می‌کشاند و از

آن پس به بازی‌هایی که معناها در این حضور و غیاب، تشابه و تفاوت، گسست و عدم قطعیت

به آن پرداخته‌اند، آشکارا دامن می‌زند؛ «... شیئی دارای ذات و هستی نیست، از پرسش...

چیست امتناع می‌کند... جنبشی از بلا تکلیفی را در بازی قرار می‌دهد... به‌طور فعال تخریب

می‌کند. به زبان، اندیشه و معنا اجازه نمی‌دهد با پی‌گیری جریان عادی‌شان به آسایش

برسند...» (کالینز، ۱۳۸۰: ۷۹).